

فهرست

۹.....	گفتاری تازه برای ویراست سوم / چاپ دهم
۱۵.....	گفتار سرویراستار
۱۷.....	یادداشتی برای چاپ چهارم
۱۹.....	پیشگفتار مترجم
۳۱.....	مقدمه
۴۳.....	پیشگفتار مؤلف
۴۵.....	انسانی که گوشت و خون دارد
۶۷.....	نخستین منزل
۸۷.....	عطش جاودانگی
۱۱۱.....	ماهیت کاتولیسسیم
۱۳۷.....	بی چارگی عقل
۱۶۷.....	ژرفنای بی پایان
۱۹۷.....	عشق، رنج، شفقت و تشخیص یافتن
۲۲۵.....	از خدا تا به خدا
۲۵۷.....	ایمان، امید و خیرخواهی
۲۸۹.....	دین، اساطیر عالم بالا و بازگشت به خدا
۳۳۷.....	شالودهٔ عمل
۳۷۹.....	دن کیشوت در تراژدی-کمدی امروز اروپا
۴۱۷.....	چالشگری اونامونو با مرگ
۴۳۱.....	درد جاودانگی و ترجمهٔ پهناور
۴۴۵.....	واژه‌نامه

مقدمه

آثار فراوان منظوم و منثورِ اونامونو را می‌توان به یک معنا زندگینامهٔ خودنوشت^۱ او دانست، ولی زندگینامه نه به معنای روایی و تاریخی که از قرن نوزدهم شایع شده، بلکه به معنای اصیلی که به نوشتهٔ قدیس آوگوستینوس^۲ و قدیسه ترسای آویلابی^۳ و رمانتیک‌های بزرگ اطلاق می‌کنیم. زندگینامهٔ خودنوشت «قالب»ی است که مسیحیت به ادبیات غرب عرضه کرد و در اصل برای آن ابداع شد که نه روایتگر حادثه‌ای باشد که بر انسانی در میان انسان‌های دیگر می‌گذرد - که این خود وظیفهٔ تاریخ است - بلکه تا راوی حدیث درونی انسان باشد؛ و محتوای آن پاسخی بود که فرد به واقعیت وجود خود می‌داد. در مورد متفکران مسیحی، این پاسخ روحانی بود و منتهی به تفکر مابعدالطبیعه می‌شد، زیرا واقعیت وجود را در رابطهٔ بین خدا و انسان می‌یافتند. پاسخ رمانتیک‌ها بستگی به خلق و خوی خاصشان داشت و مآلاً خودکاوانه می‌شد زیرا با طرد خدا از قلمرو تجربهٔ انسانی، به توسط فلسفهٔ خردگرایانه، واقعیت وجود انسان بدل به ستیزهٔ عقل و احساس گردیده بود. دیگری در کار نبود، فقط دو انگیزهٔ بیگانه از هم، در درون یگانهٔ انسان خلعجان داشت. در هر دو مورد زندگینامهٔ خودنوشت، همچنان در دلد گویانه باقی ماند، نه روایتگرانه؛ به عبارت دیگر حدیث نفس بود نه گزارش.

پیشنهاد اونامونو که می‌خواست «حدیث نفس»^۴ اش را «مخاطبه با خویش»^۵ بخوانیم حاکی از شکاف رمانتیک بین عقل و احساسش بود. در واقع گرایش‌های

1. autobiography

2. St. Augustine

3. St. Teresa of Avila

4. monologue

5. auto-dialogue

انسانی که گوشت و خون دارد

یکی از نمایشنامه‌نویسان لاتین^۱ گفته است: «من انسانم و هیچ چیز انسانی با من بیگانه نیست.» و من خوش تر دارم بگویم: «من انسانم و هیچ انسان با من بیگانه نیست.» زیرا در گوش من طنین صفت انسانی مانند اسم معنای انسانیت مبهم و مشکوک است. نه انسانی، نه انسانیت. نه این صفت نسبی نه آن اسم معنا، بلکه اسم ذات انسان را برمی‌گزینیم. انسانی که گوشت و خون دارد. انسانی که زاده می‌شود، رنج می‌برد و می‌میرد، علی‌الخصوص می‌میرد؛ انسانی که می‌خورد و می‌نوشد و بازی می‌کند و می‌خواهد و می‌اندیشد و می‌خواهد؛ انسانی که دیده و شنیده می‌شود؛ که برادر است، برادر راستین.^۲

باری، موجود دیگری هم به نام انسان وجود دارد که کمابیش دستخوش تحقیقات و تتبعات عالمانه گردیده است. و همان جانور دویای بی‌پر افسانه‌ای، حیوان سیاسی ارسطو، قراردادساز اجتماعی روسو، انسان اقتصادی^۳ مکتب منچستر^۴

۱. منظور نویسنده از نمایشنامه‌نویس لاتین، ترنس Terence (پوبلیوس ترنتیوس آفر) کمدی‌نویس رومی، متولد در حدود ۱۸۵ یا ۱۹۵ قبل از میلاد متوفای ۱۵۹ ق.م است که شش کمدی از او باقی مانده است. جمله بالا منقول از یکی از آنها به عنوان *Heauton Timouroumenos* (عذاب‌دهنده به خود) است. -م.

۲. تأکید اونا مونو بر انسان واقعی عینی به جای انسانیت و انسان انتزاعی، او را مدت‌ها پیش از آنکه نامی از آگزیستانسیالیسم در میان باشد، جزو آگزیستانسیالیست‌ها قرار می‌دهد. -ک.

3. Homo Economicus

۴. مکتب منچستر Manchester School: (آزادی مبادله) جنبشی که از سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰ در انگلستان